

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم: موضوع: آنگاه که خودمان خود مان نیستیم

«مرده شو تا مخرج الحی الصمد / زنده‌ای زین مرده بیرون آورد»

منظور از مخرج الحی، الله باری تعالی است، برگرفته از آیه ۹۵ سوره انعام «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ»... به عبارتی مولانا در این بیت انسان را به ۲ بُعد تقسیم کرده است، بُعدی که وقتی انسان در آن واقع است «مُرده» و بُعدی دیگر که در آن انسان حقیقتاً «زنده» است... شاید سوال پیش آید که انسان زنده را می‌دانیم که چه مفهومی دارد اما مرده بودن انسان در زنده بودن‌اش که معنای مُحصَل ندارد، پس انسان مُرده چگونه زنده است؟ برای جواب به این سوال باید آثار مولانا را به طور دقیق بررسی کرد تا منظور او از مردگی و زندگی کشف شود. مولانا زنده گی انسان را آنچنان که در ذهنیت مرسوم زمانه رواج دارد که عبارتست از نَفَس کشیدن و خوردن و نوشیدن و خوابیدن و کار کردن... خلاصه نمی‌کند بلکه «زنده گی» را در معنا و افق بس بلندی طرح می‌کند، او زندگی را در زندگی نباتی نمی‌شناسد، و آن‌را تنها مرده ایی که البته زنده ایی در درون خود دارد، بیان می‌کند او زندگی را «در بدست آوردن چیزها» نه! بلکه «در از دست دادن چیزها» می‌بیند، با این بیان یعنی انسان در بدو تولدش یک موجود نباتی، حیوانی، است که البته بالقوه در خود «انسان» دارد و خارج شدن «انسان» از این حیوانیت و نباتیت را، مستلزم «از دست دادن» وجهی از توهمات باطل و تخیلات خفاهی، می‌داند. یعنی مرده شدن! نسبت به آنچه، بطور توهمی «خود» انگاشته ایم! مرده شُـو، تا مخرج الحی الصمد / زنده ایی زین مرده، بیرون آورد. حال دعوت می‌کنم به ریشه واژه انفاق توجه فرمایید انفاق: به معنای جدا کردن بخشی از هرچیزی به منظور بخشیدن آن بخش جدا شده، است، بعبارتی انفاق یعنی جدا کردن آنچه مال خودم نیست ولی در مال خودم هست، حتی مفهوم شناسان در این باورند که منافق نیز با نفاق هم ریشه است، چراکه منافق بلعکس انفاق کنند، بجای جدا کردن، به جمع می‌پردازد. اَنْفَقَ و اِنْتَفَقَ و نیز نام‌هایی چون نفقة، نفاق و تَيْفَقَ را از ریشه نفق به معنی از دست دادن یا از دست رفتن است. حال از طرفی در قرآن آیه داریم «انتم الفقرا» یعنی ذات حقیقی انسان فقیر است و بی چیز!، ولی قدرت جذب آنچه مال خود نیست، را دارد لذا آیه ۳۷ و ۳۸ سوره محمد (ص) بسیار نکته جالبی دارد. می‌فرماید شما در مقابل این دادن چیزها سخت بخل ورزید «إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُخْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَ يُخْرِجْ أَصْعَانَكُمْ» اگر همه اموال شما را بخواهد و بر شما اصرار ورزد، بخل می‌کنید و آن زمان است که گمراه می‌شوید (۳۷) حال آیه ۳۸ می‌فرماید، این بخل ورزی به ضرر خودتان است، اگر به بخل ورزی دچار شوید [یعنی به دادن آنچه بر اساس

توهمات باطل مالک دروغین آن گشته اید] و اگر اختیاراته پس ندهید! آنگاه با خودی از خود مواجه خواهید شد که مثل خودتان نیست!!! یعنی «خود توهمی» یعنی ما خود نخواهیم بود در عین آنکه خود را خود می انگاریم. به عمق خطر باید فکر کرد!! آیه ۳۶ همین سوره مبارکه سُر عجیبی بیان می کند اگر اهل ایمان و تقوا باشید وضعیت فرق دارد. اگر اهل ایمان و تقوا باشیم، خداوند تعالی، اموالتان را پس نمی گیرد! «وَإِنْ تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ» اگر ایمان بیاورید و پرهیزکاری کنید، خدا پاداش هایتان را می دهد و از شما نمی خواهد [که] اموالتان را [در راه خدا انفاق کنید] (۳۶) در متن سوره، «تقوا و ایمان» را در قید تبعیت از رسول الله صلی الله علیه و آله بیان می فرماید یعنی جایگاه ولایت!! حال بنظر حقیر جایگاه ولایت و انقلاب از چنین گسترده گی برخوردار است، بدون ولایت مداری، انسان حتی خودش نیست! در یک توهمی زندگی می کند که بقول مولانا، مرده است و توهم زندگی می کند از زحمات امثال شما ها باید تا سر حد جان ممنون بود. بی جا نیست که شما خود من هستید، یعنی استاد طاهرزاده، خود من متعالی است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مورد جمله آخر باید عرض کنم که بنده قابل این حرفها نیستم. آری! در برهوت این دوران مردی را یافتم به نام حضرت روح الله که اگر تمام مصیبتها بر سرم بریزد، دست از او بر نخواهم داشت و به گفته جناب نظامی گنجوی: «گرم سنگ آسیا بر سر بگردد / دل آن دل نیست که از دلبر بگردد.»

در مورد مردههایی که نفس می کشند، حقیقتاً «خود توهمی» که فرمودید در میان است و با گسترده شدن خود از طریق انفاق، خود را به معنی حقیقی آن احساس خواهیم کرد به همان معنای خارج کردن زندگان از دل حیاتی که در واقع، مرگ است و این امروز به عالی ترین شکل ممکن در دل انقلاب اسلامی با ظهور شهادت به میان آمد از آن جهت که شهادت، حیاتی برتر است و این مائیم و سخن حضرت روح الله که فرمود: «ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم.» و نیز فرمود: خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.» آیا این همان سخن جناب مولانا نیست که فرمود: «مرده بدم زنده شدم؟» موفق باشید